

تنها ترین
تنهای
تاریخ

www.ketab.ir

تالیف : کاظم عالی

- سرشناسه : عالی، کاظم، ۱۳۳۹ -
- عنوان و نام پدیدآور : تنهاترین تنهای تاریخ / تألیف کاظم عالی.
- مشخصات نشر : تبریز: عمیدی، ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۳ ص.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۰۸-۴۹-۶
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
- موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. --- سیاست و حکومت
- رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۳۵BP/۳۷۴۶ت۱۷۴۶
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۴۶۷۱۱

- نام کتاب : تنهاترین تنهای تاریخ
- تألیف : کاظم عالی
- نوبت و تاریخ چاپ : چاپ اول ۱۳۸۹
- لیتوگرافی و چاپ : تصویر
- تعداد صفحات : ۱۳۳ صفحه وزیری
- ناشر : انتشارات عمیدی
- شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۰۸-۴۹-۶
- قیمت : ۳۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

مرکز پخش :

تبریز - خیابان امام، بازار بزرگ تربیت، طبقه پایین، پلاک ۴۰ انتشارات عمیدی، تلفن: ۵۵۳۵۹۶۱

فهرست مطالب

	● حمد و سپاس
۱	● پیشگفتار
۵	● امام علی (ع) تنها مولود کعبه
۷	● علی دارد می آید
۱۰	● ولادت امام علی (ع) : معجزه ی الهی
۲۵	● وجه تسمیه
۲۶	● امتیازات امام علی (ع)
۳۰	● تنها ترین تنهای تاریخ
۳۳	● امام علی (ع) از نگاه دیگران
۵۴	● نهج البلاغه کتابی برتر از امامی تنها
۶۰	● امام علی (ع) و واقعه ی غدیر
۶۴	● معرفی علی بن ابی طالب
۶۵	● اهمیت مساله ی امامت
۶۷	● امام تنها ، مظلوم تنهای سقیفه
۷۱	● امام علی (ع) ، مظلوم تاریخ .
۷۶	● علی (ع) ماند و تنهایی تنها نیش
۷۸	● بیعت مردم با امام تنها
۸۱	● جریانات سیاسی دوران حکومت امام علی (ع) :
۸۱	● جریان ناکشتین
۹۲	● جریان قاسطین
۱۱۰	● جریان مارقین

حمد و سپاس

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَلَا يُحْصَى نِعْمَاهُ الْعَادُونَ، وَلَا يُؤَدَّى حَقُّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ، وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ خَدٌّ مَحْدُودٌ، وَلَا نَعْتٌ مُوجُودٌ، وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ، وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ، فَطَرَّ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ، وَنَشَرَ الرِّيحَ بِرَحْمَتِهِ، وَوَدَّ بِالصُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ.

خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نمی رسند، و شماره گران از عهده ی شمردن نعمتهایش بر نیایند، و کوشندگان حقش را ادا نکنند؛ خدایی که اندیشه های بلند او را درک نمایند، و هوش های ژرف به حقیقتش دست نیابند؛ خدایی که اوصافش در چهارچوب حدود نگنجد، و به ظرف وصف در نیاید، و در مدار وقت معدود، و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلایق را آفرید، و با رحمتش بادها را وزیدن داد، و اضطراب زمیشت را با کوهها مهار نمود. (هج البلاغه، خطبه ۱).

حمد و سپاس بیکران، بایسته و شایسته خداوندی است سبحان؛ بخشنده است و مهربان؛ دانا و توانا؛ بی همتا و بی مانند؛ اشیا از او ناشی؛ و او بر هر کاری توانا؛ هر چه داریم از او داریم؛ و هر چه خواهیم از او خواهیم. باقی است و پاینده، زنده و بر پا دارنده، یگانه است و هم نهان و آشکار می داند، هم نامه ی نوشته می خواند. ماه و ستارگان به قدرتش شناور، و هر یک در مداری مدور. هر لحظه خلقتی نو باید، و هر یک را مشیتی نو شاید. پاک است و منزّه، عزیز و مقتدر. هدایتگر است و نیکخواه؛ توبه پذیر و ایمنی بخش. علی است و مولای؛ ولی است و بی همتای. آفریدگار از نیستی، او؛ و پروردگار هستی، او.

ازلی است و اول؛ ابدی است و آخر؛ هستی بخش از نیستی، و میراننده ی هر هستی. قدیم است و فنا ناپذیر؛ و خالق است و از اشیاء جدا ناپذیر، جهان را مدیر و مدبر، اوست؛ و هر شئی نظم از اوست. هر چه اراده کند آن می شود، که اوست اراده کننده "کن فیکون"....

خدایا! تو را سپاس می گوئیم که ما را پس از ختم رسل بیافریدی، بر دین اسلام و رسالت پیامبران محمد(ص) آخرین پیام آور وحی ات، و با کاملترین شریعت توحیدی ات!

پرورد گارا! تو را سپاس می گوئیم که علی(ع) و فرزندان او را امام، رهبر و صاحب اختیار ما قرار دادی و از این رو آیه "اکمال و اتمام دین" را بر پیامبران نازل فرمودی!

علی(ع)، فرزند کعبه؛ علی(ع) تنهای تنها؛ علی(ع) نامش خدایی است؛ علی(ع) تنهای تنهاست!

علی(ع) کان فضایل؛ علی(ع) شرح جهان است؛ علی(ع) عشق خلایق؛ علی(ع) شور حقایق؛ علی(ع) ورد ملائک؛ علی(ع) دست پیمبر(ص)؛ علی(ع) میزان محشر؛ علی(ع) عقل جهان است!

علی، سوگند مردان؛ علی پیمان مردان؛ علی میثاق مردان؛ علی لوح جهان است! علی، خود زاده ی عشق؛ علی، خود، باده ی عشق؛ علی، سر منزل عشق؛ علی(ع) عشق جهان است.

ای خدا! تو را سپاس می گوئیم، و از تو می خواهیم گناهان ما را ببخش، و ما را
از پیروان و شیعیان خاص امام علی(ع) قرار ده، آن چنانکه لیاقت رهروی ایشان
باشد، آمین!

www.ketab.ir

پیشگفتار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ
 اللَّعْنَ الدَّائِمَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

از سالها پیش، تالیف و تدوین مجموعه ای که در آن بتوان شمه ای از شاکله ی
 غیر قابل شناخت و وصف ناپذیر امام علی(ع) را معرفی کرد، ذهنم را اشغال کرده بود.
 علی رغم کار بالینی ام در امر تدریس، مشاوره و روان درمانی، هوای مولا کردم و
 مطالبی را تدوین و بیا به رشته ی تحریر درآوردم.

و اما، اظهار نظر پیرامون شاکله ی باب مدینه العلم نبوی(ص)، مولی الموحدین
 حضرت علی بن ابیطالب(ع)، و تحلیل و تشریح وجه یا وجوهی از شخصیت عظمای
 آن بی همتای علم و معرفت، حقیقتاً غیر ممکن است؛ چه، آن حضرت شخصیتی
 فرا ادبی، فرا علمی، فرا دینی، فرا مکانی و فرا زمانی دارد.

تنوع ابعاد عالی شخصیت بی نظیر آن امام همام، و گستردگی ابعاد وجودی آن
 راهبر معصوم، و نیز جلوه های شخصیتی آن مقام ناتمام، به صورتی است که تبیین
 فضائلش، تشریح خصایصش، توضیح کرامت و عزتتش، توصیف ارزشهای
 وجودیش، و مطالعه ی الگوی کاملش، از ذهن هر بشری فراتر و فراتر است.

تاریخ، گاهگاهی، گوشه ای از ابعاد وجودی ایشان را برملا، و شمه ای از
 ویژگیهای برجسته شان را نمایان می سازد؛ لیکن بی اغراق باید گفت که این جریان
 تداوم خواهد یافت و لیک شخصیت علی(ع) همچنان ناشناخته باقی خواهد ماند.

شخصیت امام علی (ع) فرا زمانی است و محدود به عصر ایشان نبوده است، بلکه هر چه زمان می گذرد، برجستگیهای شخصیتی شان بیشتر نمایان می شود، و به افکار و اندیشه های حضرت بیشتر مورد توجه واقع می شود. همینطور فرا مکانی است، و محدود به عربستان و عراق و کشورهای اسلامی نمی باشد، بلکه دیگر ممالک نیز او را شناخته و باز خواهند شناخت. و همچنین فرا دینی است و تنها محدود به مسلمانان و یا شیعیان نیست، بلکه غیر مسلمانان نیز او را شناخته، و به معرفی و شناسایی شخصیتش اهتمام می ورزند. فرا علمی و فرا ادبی... است، چه شاعر، ادیب، عارف، صوفی، زاهد، عابد، روان شناس، جامعه شناس، حقوقدان، مورخ، فیلسوف، اقتصاد دان، پرستار، مدد کار، پهلوان، نظامی، حاکم، رهبر، فقیه، عالم، فاضی، مفسر، حکیم... هر یک از زاویه ای خاص به ابعاد شخصیتی آن حضرت می نگرند.

چنانچه صفات شخصیتی افراد را بر روی پیوستاری مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه می شویم هر کس در هر صفتی از شخصیت خود، در جایی از این طیف قرار می گیرد. به عبارت دیگر، در هر یک از صفات، هر فرد طیفی از قلت یا شدت را از آن خود دارد.

اما از خصایص منحصرة حضرت امام علی (ع) این بود که ایشان دارای شخصیتی بودند که ظرفیت و توانایی پذیرش جمع اعداد را داشتند، برای نمونه: اتفاق در اوج ننگدستی؛ فعالیت در اوج خستگی؛ پایداری در حین تنهایی؛ ایثار در حین نیاز؛ نبرد نوأم با ترحم؛ دستگیری در حین تهدیدی؛....

به سبب همین اجتماع ضدین بود که ایشان در حین خانه نشینی (بیست و پنج ساله) همچنان در هدایت و راهنمایی عام و خاص کوتاهی نمی فرمودند. و در راه اعتلای

اسلام، و نیز اجرای فرامین الهی، از هیچ کوششی فرو گذاری نمی کردند. از این رو همگان از ترسیم و حتی تصویر شخصیت بسی پیچیده ی آن حضرت عاجز بوده و هستند.

امام علی(ع) در بازگشت از صفین، در وصیتنامه ای که به فرزندش امام حسن(ع) مکتوب داشته، می فرماید:

"...بسم! اگر چه من به اندازه مردمی که پیش از من بوده اند عمر نکرده ام، ولی در کردارشان دقت، و در اخبارشان فکر نموده، تا جایی که یکی از همانند آنها شده ام، بلکه گویی از پی آنچه که از وضع آنان به من رسیده، عمرم را با اولین و آخرینشان گذرانیده ام..." (نتیج البلاغه - جلد ۱، ص ۳۱)

حال چنانچه خواننده گرامی با تأسی از کلام جاوید آن امام تنها، در ابعاد موضوع، تعمق و تفکر نماید و در شخصیت، علم، تدبیر، عدالت، سخاوت، شجاعت، زهد.... و احوال او در طی دوران زندگی ایشان تدقیق و مواظبت کند، تنهایی امام(ع) از دو جهت بر او آشکار می شود: نخست، از جهت شخصیت بی نظیر او، که "تنها" و بی مانند است؛ و دیگر، از بُعد مظلومیت او، که "تنها" و بی کس می باشد. در مجموعه حاضر نیز سعی در معرفی این دو نوع "تنهایی" شده است.

مجموعه فراروی، کند و کاوی است بایسته (و نه شایسته) و در حد توان نگارنده ی ناتوان. زیرا که سطور نقش بریسته بر آن، صرف تکلیف است نه تشخیص. مرا ظرفیت درک حتی ظاهر یک ویژگی مولا نیست و نخواهد بود تا چه رسد به معرفی روح و باطن آن.

پس، غرض از تحریر اوراق حاضر در وصف شأن مولا چه خواهد بود؟ بی شک، مقصود، عرض ارادت به پیشگاه آن شخصیت ناب است. و گر نه این گنهکار سراپا گنه را کجا، و تفکر در ابعاد شخصیت درک ناشدنی ایشان کجا. ما را کجا، معرفت به عالم وجود حضرت کجا. بنابراین معرفی آن شخصیت ممتاز از عهده ی کسی (به جز انسانهای کامل) برنیاید تا چه رسد به من نادان گنهکار نا آشنا به شنا در اقیانوس بی ساحل، و غریب از راه مانده در غربت سرزمین شناخت مولا، و نادان سرا پا گناه - که اگر در زمان حیاتش بودم از سوی ایشان هزاران حد بر تطهیر گناهانم، جاری می شد.

حال چرا چنین کردم؟ پاسخ را گفتم، صرفاً برای اظهار عشق و علاقه به روح بینهایت مولا، و تنها برای آهای وظیفه به صرف تکلیف.

بنابراین از آن امام همام پوزش می طلبم، و از اهل پژوهش و متخصصین فن می خواهم بر من حقیر زیاد خرده نگیرند، زیرا که: تکلیف به قدر توانایی.